

رویدادنامه

# نونیروس بابلی و کوروش هخامنشی

گزارش و پژوهش: بهمن انصاری (بهمن سوشیانت)

مترجم: رضامرادی غیاث آبادی

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

[www.TarikhBook.ir](http://www.TarikhBook.ir)



رویدادنامه نبونید- کوروش، واپسین نمونه از سنت کهن و دیرین رویدادنامه‌نگاری بر پایه گاهشماری در میان‌رودان (بین‌النهرین) است. این سنگ‌نبشته به نگارش رویدادهای سال نخست پادشاهی نبونید (۵۵۶/۵۵۵ پیش از میلاد) تا سال نخست چیرگی کوروش هخامنشی بر بابل (۵۳۹/۵۳۸ پیش از میلاد) می‌پردازد.

این سنگ‌نبشته پیش از منشور کوروش نوشته شده است. این سند با اینکه بسیار کوتاه و آسیب‌دیده است، اما بسیار ارزشمند و با اهمیت است زیرا کهن‌ترین سند مکتوب از زمان پادشاهی کوروش هخامنشی؛ کهن‌ترین بن‌گاه و آبشخور بازگویی پیروزی کوروش بر سرزمین‌های دیگر همیدون چیرگی بر بابل؛ کهن‌ترین بازگوکننده جنگ‌های کوروش و ایشتوویگو (واپسین پادشاه ماد)، بازگویی رویدادهای سال‌های پادشاهی نبونید، آخرین شاه بابل و پایان همیشگی خودایستایی (استقلال) بابل و نابودی همیشگی بابل به دست کوروش است.

رویدادنامه نبونید- کوروش، سنگ‌نبشته‌ای گلی و دو رویه به دبیره و زبان نوبابلی (آکدی) و به بلندای ۱۵ سانتیمتر است که شاید از شهر بابل بدست آمده باشد و اکنون در گالری ۵۵ موزه بریتانیا در لندن (قفسه ۱۵) نگهداری می‌شود. بخش‌های گسترده‌ای از این لوحه آسیب دیده و خواندن همه آن به دلیل افتادگی‌های فراوان، ممکن نیست.

این برگردان فارسی بر اساس چند برگردان انگلیسی و همیدون نیم‌نگاهی به متن اصلی بابلی برای تلفظ دقیق نام‌های ویژه و خاص انجام شده است. همچنین برخی عباراتی که برای درک بهتر متن، نیازمند گفتن آن بودیم را درون ( ) و به رنگ سبز گذاشته‌ایم. از آنجا که شاید خواندن این سنگ‌نبشته به شوند (دلیل) زیاد بودن بخش‌های فرو افتاده برای همگان آسان نباشد، در پایان متن اصلی، چکیده‌ای آسان‌خوان از این رویدادنامه آورده می‌شود.

در اینجا از دکتر رضامرادی غیاث‌آبادی که برگردان متن اصلی را انجام داده‌اند و همچنین دکتر پرویز رجبی و دکتر سهیلا همت‌آزاد برای همیاری در گردآوری این نویسه مهند، سپاسگزار می‌نمایم.

بهمن انصاری

آذر ماه یک‌هزار و سیصد و نود و یک خورشیدی

\*\*\*

## رویدادنامه نبونید و کوروش

(سطر نخست ناخوانا)

آغاز پادشاهی نبونید، (۵۵۶ / ۵۵۵ پیش از میلاد)

... او بلند کرد. شاه را بردند ... تا بابل.

سال نخست بر تخت نشستن نبونید (۵۵۵ / ۵۵۴ پیش از میلاد)

آنان بینجامیند [؟ ...] و او برخواست ... همه خاندان ... شاه، سپاه خود را فراخواند و در برابر آن کشور (کیلیکیه؟) [صف بستند؟] ...

سال دوم (۵۵۴ / ۵۵۳ پیش از میلاد)

در ماه تیتو (= آرامی: تیت / فارسی باستان: آنامگه / دی) در کشور همت ...

سال سوم (۵۵۳ / ۵۵۲ پیش از میلاد)

در ماه آبو (آرامی: آب / فارسی باستان: درن باچی / مرداد)، از آمنوم (در کیلیکیه)، از کوهستان‌هایی با درختان میوه [فراوان؟]، همه گونه میوه به بابل فرا فرستاده شد. شاه را بیماری در ربود، اما بزودی بهبودی باز آمد.

در ماه کیسنیمو (آرامی: کسنلو / فارسی باستان: آثری یادی یه / آذر)، شاه سپاهش را فراخواند و [سپاهیان را با شاه یکپارچه و متحد کرد؟]. نبوتان اوسورف امور و ... پیش تاختند بسوی ..

آنان در برابر پایتخت آدومو (دوم) لشکر نشانند ... دروازه شین تینی ... سپاه دشمن فرو کوفته شد.

سال چهارم (۵۵۲ / ۵۵۱ پیش از میلاد)

...

سال پنجم (۵۵۱ / ۵۵۰ پیش از میلاد)

...

سال ششم (۵۵۰ / ۵۴۹ پیش از میلاد)

شاه ایشتومگو (ایشتویگو، آستیگ؛ واپسین پادشاه مادها) سپاهش را فراخواند. آنان بسوی کوروش (در متن بابلی: کورش)، شاه آنشان به پیش تاختند تا به نبردی پیروزمندانه با او در آیند. اما سپاهیان ایشتومگو بر شاه خود شوریدند. او را به بند کشیده و به کوروش سپردند.

کوروش، بسوی کشور آگمتنو (هگمتانه / همدان) پیش تاخت. سرای پادشاهی او را به چنگ آورد. سیم و زر، و دیگر کالاهای گرانبهای کشور هگمتانه را به چپیدن برگرفت و به آنشان برد. چیزهای ارزشمندی از ...

سال هفتم (۵۴۹ / ۵۴۸ پیش از میلاد)

شاه در تما مانده بود. اما جانشین او (ولیعهد)، بلندپایگان و سپاهیان در آگد\* بودند.

(\* در تمام متن منظور از آگد، شهر بابل است.)

شاه برای آیین‌های ماه نیساتو (نیسان/ فارسی باستان: آدوگنئیشته/ فروردین‌ماه)، (اکیتو، جشن آغاز بهار) به بابل نیامده بود. پیکر خدا نَبو به بابل نیامده بود. پیکر خدا بِل (مردوک، خدای بزرگ بابل) از اسگیله (نیایشگاه مردوک) برای همراهی همراه‌کنندگان به بیرون نرفته بود. جشن سال نو برگزار نمی‌شد.

اما برابر با ایستارهای (سنت‌های) همیشگی، پیشکشی‌ها به درون نیایشگاه‌های اسگیله و ازیده (نیایشگاه نَبو، خدای نویسنده و دبیری) برده شدند. کاهن شش‌گلو، فدیه خوراک و آب‌زور (آفشاندن شراب یا روغن) را در نیایشگاه به انجام رساند.

**سال هشتم (۵۴۸/۵۴۷ پیش از میلاد)**

...

**سال نهم (۵۴۷/۵۴۶ پیش از میلاد)**

نبونید (در متن بابلی: نبونئید/ یونانی: نبونیدوس) شاه در تما مانده بود. اما جانشین او (ولیعهد)، بلندپایگان و سپاهیان در آکد بودند. شاه برای آیین‌های ماه نیساتو به بابل نیامده بود. خدا نَبو به بابل نیامده بود. خدا بِل از اسگیله برای همراهی همراه‌کنندگان به بیرون نرفته بود. جشن سال نو برگزار نمی‌شد.

اما برابر با ایستارهای (سنت‌های) همیشگی، پیشکشی‌ها برای خدایان بابل و بورسیپا به درون نیایشگاه‌های اسگیله و ازیده برده شدند.

در روز پنجم از ماه نیساتو، مادر شاه بمرد. در اردوگاهی نزدیک رود فرات و بالاتر از شهر سیپار. ولیعهد و بلندپایگان تا سه روز سخت سوگوار بودند. یک بلندپایه، مراسم اشک‌ریزان را برگزار کرد. یک بلندپایه در آکد، اشک‌ریزان را برای مادر شاه در ماه سیمانو (آرامی: سیون/ فارسی باستان: ثانیگرچیش/ خرداد) انجام داد.

در ماه نیساتو، کوروش شاه پارس، سپاهش را فراخواند و در پایین‌تر از شهر آربیل (آریلا) از رود دجله گذر کرد. در ماه آجرو (آرامی: ای‌پار/ فارسی باستان: ثورواهره/ اردیبهشت) او بسوی کشور لید... (لیدییه/ لیکیه؟) پیش تاخت. شاه آنجا را بکشت و دارایی‌های او را بگرفت. او در آنجا پادگانی برای خود بنیان نهاد. آنگاه شاه و سپاهیانش در آن پادگان بماندند.

**سال دهم (۵۴۶/۵۴۵ پیش از میلاد)**

شاه در تما مانده بود. اما جانشین او (ولیعهد)، بلندپایگان و سپاهیان در آکد بودند. شاه برای آیین‌های ماه نیساتو به بابل نیامده بود. نَبو به بابل نیامده بود. بِل از اسگیله برای همراهی همراه‌کنندگان به بیرون نرفته بود. جشن سال نو برگزار نمی‌شد.

اما برابر با ایستارهای (سنت‌های) همیشگی، پیشکشی‌ها برای خدایان بابل و بورسیپا به درون نیایشگاه‌های اسگیله و ازیده برده شدند.

در روز بیست و یکم ماه سیمانو... از کشور عیلام به آکد... فرماندار اوروک...

**سال یازدهم (۵۴۵/۵۴۴ پیش از میلاد)**

شاه در تما مانده بود. اما جانشین او (ولیعهد)، بلندپایگان و سپاهیان در آکد بودند. شاه برای آیین‌های ماه نیساتو به بابل نیامده بود. نَبو به بابل نیامده بود. بِل از اسگیله برای همراهی همراه‌کنندگان به بیرون نرفته بود. جشن سال نو برگزار نمی‌شد.

اما برابر با ایستارهای (سنت‌های) همیشگی، پیشکشی‌ها برای خدایان بابل و بورسیپا به درون نیایشگاه‌های اسگیله و ازیده برده شدند.

**سال دوازدهم (۵۴۴/۵۴۳ پیش از میلاد)**

...

**سال سیزدهم (۵۴۳/۵۴۲ پیش از میلاد)**

...

**سال چهاردهم (۵۴۲/۵۴۱ پیش از میلاد)**

...

**سال پانزدهم (۵۴۱/۵۴۰ پیش از میلاد)**

...

**سال شانزدهم (۵۴۰/۵۳۹ پیش از میلاد)**

... رود دجله. در ماه آدارو (آرامی: آدار/ فارسی باستان: وی یخنه/ اسفند)، پیکر ایشتر از اوروک. . . ارتش پارس ها هجوم آورد.

**سال هفدهم (۵۳۹/۳۸ پیش از میلاد)**

نَبُو از شهر بوریسیا برای همراهی از بل برفت. . . شاه به نیایشگاه اِتورکلمه در آمد. در نیایشگاه او . . .

کشور دریا (?) به یورش کوچکی دست زد. بل به میان همراه کنندگان رفت. آنان جشن سال نو را برابر با ایستارهای (سنت های) همیشگی انجام دادند.

در ماه [آبو؟] لوگال مَرده (خدای شهر اوروک؟) و دیگر خدایان از شهر مَرِد، و خدا زَبَدَه (زَبَبَه، خدای شهر کیش) و دیگر خدایان از شهر کیش، خدایانو نیئلیل (همسر مردوک) و دیگر خدایان هورسگگلمه (?) از بابل دیدار کردند. تا اینکه در پایان ماه اولولو (آرامی: الول/ فارسی باستان: کارباشیا/ شهریور) همه خدایان از بالا و پایین به آگد در آمدند. خدایان شهرهای بوریسیا، کوتهه و سیپار نیامدند.

در ماه تشریتو (آرامی: تیشری/ فارسی باستان: باگیادنیش/ مهر)، هنگامی که کوروش به سپاه آگد در شهر آپیس (شاید در جای بغداد امروزی) بر کرانه رود دجله یورش برد؛ مردمان آگد بشویدند. اما او (کوروش؟) همه مردمان شهر را از دم بکشت.

در روز پانزدهم، سیپار بدون جنگ گشوده شد. نبونید بگریخت.

در روز شانزدهم، گنویروه/ گوبریاس (در متن بابلی: اوگبرو)، فرماندار گوتیوم (سرزمین گوتیان، از ایرانیان باختری)، همراه با سپاه کوروش بدون جنگ و پیکار به بابل اندر آمد.

سپس نبونید به بابل بازگشت و آنگاه او در آنجا بازداشت شد. در پایان ماه، نگاهبانی از نیایشگاه اسگیله به سپرهای گوتیان سپرده شد تا مبادا هیچیک از سپاهیان به درون اسگیله و دیگر بناهای آن راه برند. از آن پس، آیین ها و مراسم به مانند گذشته برگزار می شوند.

در روز سوم از ماه آرَهسمنه (آرامی: مرهشوان/ فارسی باستان: ورگزنه/ آبان)، کوروش به بابل اندر آمد. به پیش گام های او، شاخه های سبز افشاند می شد. او با مردمان شهر، پیمان سازش و دوستی و آشتی گذارد. کورش به همه مردمان بابل، پیام درود و شادباش فرستاد. گنویروه به فرمانداری بابل برگماشته شد.

از ماه کیسلیمو تا ماه آدارو، همه خدایان آگد که نبونید آنها را در بابل بی ارزش کرده بود، به شهرهای سپند و ورجاوند (مقدس) خودشان بازگردانده شدند.

در شب یازدهم ماه آره‌سمنه، گنویروه مرد.

در روز . . . ماه آدارو، بانوی شاه (کاساندان) بمرد. از روز بیست و هفتم ماه آدارو تا روز سوم از ماه نیسانو، یک بلندپایه، مراسم اشکریزان را در آکد برگزار کرد. همگی مردمان با گیسوان پریشان در آن انباز گشتند.

در روز چهارم، کمبوجیه پسر کوروش، برفت به نیایشگاه [ . . . ؟ (زیده؟) ] نبو که . . . گاو نر . . . او بدان جایگه برفت و پیشکشی‌هایی را با دست خویش بر پیکر نبو فراز برد . . . نیزه‌ها و تیردان‌های چرمی از . . . (سپس از نزد) نبو بسوی اسگیله فرارفت. او در برابر بل و خدا ماربیتی (?)، گوسفندی را پیشکش بکرد.

\*\*\*

## چکیده‌ای از رویدادنامه نبونید و کوروش بزرگ

شاه ایشتویگو واپسین پادشاه ماد، سپاهش را فراخواند. آنان بسوی کوروش، شاه آنشان به پیش تاختند تا به نبردی پیروزمندان با او در آیند. اما سپاهیان ایشتویگو بر شاه خود شوریدند. او را به زنجیر کشیده و به کوروش سپردند. آنگاه کوروش، بسوی کشور هگمتانه پیش تاخت و سرای پادشاهی او را به دست آورد.

شاه نبونید در تما اقامت گزیده بود. اما ولیعهد، بلندپایگان و سپاهیان در بابل بودند. شاه برای آیین‌های ماه نیسانو (جشن آغاز بهار/ آکیتو) به بابل نیامده بود. پیکر خدا نَبو به بابل نیامده بود. پیکر خدا بِل از اسگیله (نیایشگاه مردوک) برای همراهی مشایعت‌کنندگان به بیرون نرفته بود. جشن سال نو برگزار نمی‌شد. اما برابر با سنت‌های همیشگی، پیشکشی‌ها به درون نیایشگاه‌های اسگیله و ازیده برده شدند.

در ماه تشریتو (آرامی: تیشری/ فارسی باستان: باگیادنیش/ مهر)، هنگامی که کوروش به سپاه نبونید در شهر آپیس بر کرانه رود دجله یورش برد؛ مردمان آگد شورش کردند. اما او (کوروش یا شاید نبونید؟) همه مردمان شهر را از دم بکشت.

گئوبروه فرماندار گوتیوم، همراه با سپاه کوروش بدون جنگ و پیکار به بابل اندر آمد و نگاهبانی از نیایشگاه اسگیله به سپرهای گوتیان سپرده شد تا مبادا هیچیک از سپاهیان به درون اسگیله و دیگر بناهای مقدس آن پا بگذارند. از آن پس، آیین‌ها و مراسم به مانند گذشته برگزار شدند.

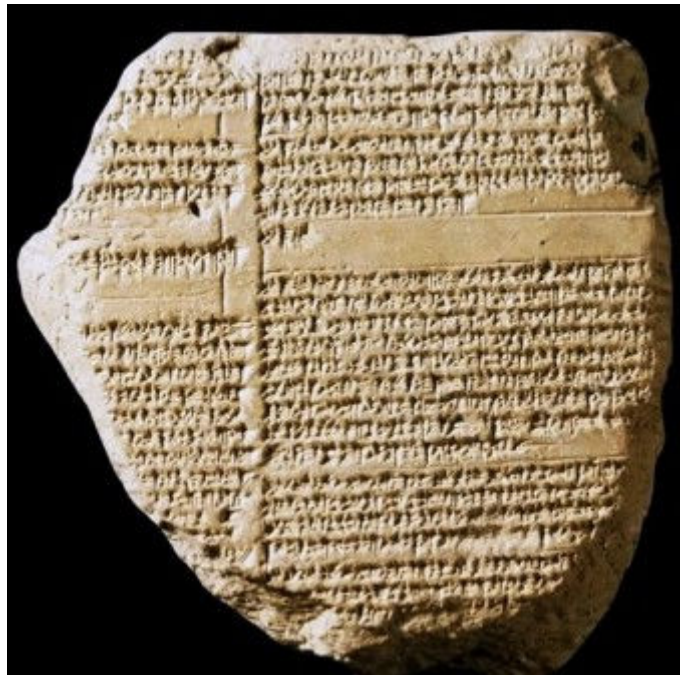
کوروش به بابل اندر آمد. به پیش گام‌های او، شاخه‌های سبز افشاندند می‌شد. او با مردمان شهر، پیمان صلح و آشتی گذارد. کوروش به همه مردمان بابل، پیام درود و شادباش فرستاد. گئوبروه به فرمانداری بابل برگماشته شد و همه خدایان آگد که نبونید آنها را در بابل بی‌قدر کرده بود، به شهرهای مقدس خودشان بازگردانده شدند.

بانوی شاه (کاساندان) بمرد. یک بلندپایه، مراسم اشکریزان را در آگد برگزار کرد. همگی مردمان با گیسوان پریشان در آن انباز گشتند.

کمبوجیه پسر کوروش، به نیایشگاه برفت و پیشکشی‌هایی را با دست خویش بر پیکر نَبو فراز برد. سپس از نزد نَبو بسوی اسگیله فرا رفت و در برابر بِل و خدا ماربیتی، گوسفندی را پیشکش کرد.

منابع :

- Grayson, A. K., Assyrian and Babylonian Chronicles, New York, 1975, 1- 15.  
Grayson, A. K., "Babylonian Historical and Literary Texts, Toronto Semitic Texts and Studies III, University of Toronto Press, 1975.  
Pritchard, James B., Ancient Near Eastern texts relating to the Old Testament, 3rd., Princeton University Press, 1969, 305- 307 (First edition 1950).  
Walker, C. B. F., "Babylonian Chronicle 25: A Chronicle of the Kassite and Isin Dynasties", in G. van Driel: Zikir Šumim: Assyriological Studies Presented to F.R. Kraus on the Occasion of His Seventieth Birthday, 1982.  
Wiseman, D. J., Chronicles of Chaldean King, 1956.





بهمن انصاری (سوشیانت):

[Bahman.Soshiant@Gmail.com](mailto:Bahman.Soshiant@Gmail.com)

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

[www.TarikhBook.ir](http://www.TarikhBook.ir)

پایان